

خبرنامه رسمی ای اف تی گری کریگ

۷ تیر ۱۳۹۷، ۲۸ جون ۲۰۱۸



ای اف تی رسمی

اپتیمال ای اف تی (درمانگر نادیده)

نکات - فوت و فن‌ها - مطالب جدید و بیشتر

منابع آموزشی ای اف تی به طور کامل به فارسی ترجمه شده و به رایگان در دسترس شما

قرار گرفته‌اند. در همه جای دنیا مردم ای اف تی را از همین منابع رایگان

و نه از اساتید(؟؟؟) می‌آموزند!!!!

[@GaryCraig](https://www.instagram.com/GaryCraig)

www.EFT.ir

لطفا از مدعیان استادی پرسید که چرا علیرغم اطلاع از وجود اینها

هیچ سرنخی به شاگردان خود نمی‌دهند.

توجه: این خبرنامه با اجازه گری کریگ ترجمه شده است. هر ترجمه دیگری از هر یک از مطالب ایشان بدون اجازه و نقض حق مالکیت معنوی نویسنده به حساب می آید. کسانی که ادعای استادی عرفان و معنویت را دارند و کتابهای او را بدون اجازه و ناقص منتشر می کنند و دوره هایی را که گری کریگ صریحا نهی کرده است برگزار می نمایند بهتر است به فکر آخرت خود باشند. گری کریگ از اقدامات این افراد به خوبی مطلع است و به هیچ وجه رضایت ندارد!!!

توجه داشته باشید که هیچ کسی در دنیا استاد اپتیمال ای اف تی (درمانگر نادیده) نیست و هیچ کسی اجازه ندارد بر پایه این مفاهیم دوره ای را درس دهد.

ترجمه فرهاد فروغمند www.EFT.ir [@FarhadForughmand](https://www.instagram.com/FarhadForughmand) [@GaryCraig](https://www.instagram.com/GaryCraig)

[کانال خبرنامه رسمی ای اف تی گری کریگ](#)

[لینک های محبوب: کتاب درمانگر نادیده | عضویت در دوره اپتیمال ای اف تی | مدرک کامل ای اف تی |](#)

[راهنمای ای اف تی استاندارد طلایی | کاربران رسمی ای اف تی |](#)

~~~~~

لطفا برای کسب اطلاعات بیشتر به [وبسایت رسمی مراکز آموزشی گری کریگ](#) مراجعه کنید.

~~~~~

در این شماره: (۱) جمله امروز، (۲) پلکان معجزات: همه برنده اند، (۳) نکاتی برای اعضای دوره اپتیمال ای اف تی.

جمله امروز: هیچ وضعیت جسمانی فرسوده یا آسیب دیده‌ای نیست که نتواند بهبود یابد - هیچ - حتی یک مورد. اگر می‌دانستید... اگر می‌خواستید و می‌دانستید که می‌توانید. اینها همان معجزاتی‌اند که هر روز راجع به آنها حرف می‌زنند. اینها اصلاً معجزه نیستند و صرفاً نظم طبیعی امورند. ولی از آنجایی که به ندرت اتفاق می‌افتند مردم آنها را معجزه برمی‌شمارند. این طور نیستند. قرار است که شما هم همین طور باشید. قرار است که پیشرفت کنید. "آبراهام هیکس" ارائه شده توسط آن رایان

~~~~~

### پلکان معجزات

همه برنده‌اند: یک بازی بدون بازنده

"نهایتاً همه بازیکنان به تقویت قوه تصورشان می‌پردازند

تا بتوانند از تفکرات عادی و محدود خویش خارج گردند."



### پلکان معجزات

بیایید با من کمی خوش بگذرانید!

می‌دانید که پلکان معجزات ما را به سوی حقیقت واقعی یگانگی‌مان می‌برد. اینجا است که "همه برنده‌اند" و چیزی به نام بازنده وجود ندارد. همه کس و همه چیز فقط خوش می‌گذرانند و عشق می‌ورزند. هدف ما هم این است که به آن حالت ظاهراً غیرممکن دست یابیم و همان طور که هر مشاهده‌گری می‌تواند ببیند در حال پیشرفت هستیم.

ولی دنیای جدایی‌ها، که ظاهراً در آن زندگی می‌کنیم، مملو از غنایم، جوایز و سایر چیزها برای "بهرتر از" شدن است. بدیهی است که این امر برای نفس برنده‌ها نتیجه می‌دهد... و حتی برخی از غیر برنده‌ها نیز شاید با تبلیغ برای برنده‌ها کمی دلخوش شوند. ولی در نهایت دنبال "بهرتر از" رفتن به شکل اجتناب‌ناپذیری به دریای "کمتر از"ها منتهی می‌شود.

این ایده‌آل ما نیست.

لذا یک بازی به فکر رسید که در آن هر کسی می‌تواند شرکت نماید و در آن فقط خوشی و خنده وجود دارند... و همه برنده‌اند. بازی از این قرار است...

چند نفر دور هم جمع می‌شوند... توصیه می‌کنم بین ۵ تا ۲۰ نفر باشند... و فقط با استفاده از قوه تخیل انسانی ماجرای را می‌سازند. اولین بازیکن با "یکی بود یکی نبود" شروع می‌کند و نفر بعدی چیزی را به آن می‌افزاید. نفر بعدی هم چیز دیگری را به آن اضافه می‌نماید و همین طور ادامه می‌یابد تا تصمیم بگیرید که آن را پایان دهید. در این مدت ممکن است خیلی بخندید و هر کسی برنده شود. هیچ کسی هم نمی‌بازد.

مثالی از شروع بازی در اینجا ذکر می‌شود...

یکی بود یکی نبود

قورباغه‌ای بود که سه پا داشت...

و با یک زرافه ازدواج کرد...

به بچه‌هایشان قورزافه می‌گفتند...

گردن درازی داشتند و می‌توانستند بپرند...

این بود که می‌توانستند انگشتان پای خدا را گاز بگیرند...

خدا هم از گاز گرفتن آنها خیلی خوشش می‌آمد...

و به همه قورزافه‌ها صدایی همچون الویس اعطا کرد...

سپس قورزافه‌ها سگهای شکاری را که در "هتل‌های شکست عشقی" زندگی می‌کردند آفریدند...

و بعد سگهای شکاری به نهنگ تبدیل شدند و بالهایی همچون مرغ مگس‌خوار درآوردند...

جولین [یکی از اعضای گروه داستان‌سرا] از نهنگ پرنده خواست...

که او را برای خرید به سفری کوتاه ببرد...

تا برای بچه گربه‌اش لباس زیر بخرد...

و بعد یک روز...

ماجرا به همین شکل ادامه می‌یابد. "قاعده" بازی این است که هر کسی می‌تواند نوبت خودش را به دیگری

بدهد. بدین ترتیب همه راحتند و برای "انجام دادن" تحت فشار نیستند. نهایتاً قوه تخیل همه بازیکنان تقویت

می‌شود و لذا می‌توانند از تفکرات عادی و محدود خارج شوند و به سرخوشی به ماجرا بیفزایند. این به واقع مفید است چون یگانگی بسیار فراتر از تفکرات عادی ما است.

یک مثال دیگر...

یکی بود یکی نبود...

یک ابر صورتی بود...

که با بقیه ابرها قاطی شد...

و جورابه‌های کثیفی را در همه جای نیویورک بارید...

مردمان بی‌خانمان جورابه‌های کثیف را جمع کردند...

و آنها را به هم گره زدند...

و از ساختمانها آویزان نمودند...

بدین ترتیب مردم می‌توانستند از روی آنها حرکت کنند...

این بود که کسب و کار تاکسی‌ها و قطارهای شهری خراب شد...

و شهر خیلی بهتر شد...

و به مدلی برای سایر شهرهای دنیا تبدیل گردید...

طولی نکشید که صنعت جورابه‌های کثیف رشد کرد...

و کسانی که جورابه‌های کشیف داشتند ثروتمند شدند...

خصوصاً بی‌خانمانها...

و بعد یک روز...

و ماجرا به همین ترتیب ادامه می‌یابد.

یک مثال دیگر...

یکی بود یکی نبود...

فنجان قهوه‌ای بود که احساس تنهایی می‌کرد...

تا این که او را از مایع سرخوشی پر ساختند...

مایعی از یک درخت سرخوش...

درختی که در جنگلی سرخوش بود...

در آنجا همه زنده‌ها جمع شده و جنگلی از یگانگی ساخته بودند...

و همه شادمان بودند...

کرما می‌رقصیدند...

آنها با میمون‌ها می‌رقصیدند...

و همگان می‌خواندند...

آهنگی بسیار مشهور...

فنجان قهوه هم درخت مو می کاشت...

و موز و بستنی شکلاتی برای همه پرورش می داد...

و بعد یک گول زشت...

وارد جنگل شادمان شد...

و فوراً تبدیل شد به...

یک گلابی آبدار...

و بعد یک روز...

و ماجرا به همین ترتیب ادامه دارد.

خوش بگذرانید، گری

~~~~~

کمک بیشتری نیاز دارید؟

۱. [کتاب رایگان درمانگر نادیده](#) را بخوانید تا درک بهتری از آخرین پیشرفت ما یعنی اپتیمال ای اف تی بیابید.

۲. عضو [دوره اپتیمال ای اف تی](#) ما که مخصوص افراد حرفه‌ای و شاگردان بانگیزه است شوید. خودم درس می‌دهم. کارهای عمیقی انجام می‌دهیم. اعتبار دارد. دنیا را تحت تاثیر قرار دهید.

۳. از طریق برنامه ارائه مدرک کامل ای اف تی که در سطح بالایی برگزار می کنیم مدرک بگیرید. وارد گروه برتر افراد حرفه ای و موثر در شفابخشی شوید.

۴. با یکی از افراد بسیار آموزش دیده و دارای مدرک ما تماس بگیرید. کاربران رسمی ای اف تی.

۵. برای کسب اطلاعات بیشتر لطفا با مراکز آموزشی رسمی ای اف تی گری کریگ تماس بگیرید.

~~~~~

### برای اعضای دوره اپتیمال ای اف تی:

(فرستی غیر رایگان برای افراد حرفه ای و شاگردان بانگیزه)

### جزئیات و قیمت های عضویت

~~~~~

وبینار بعدی ما: در ساعت ۱۰ صبح (به وقت غرب امریکا) روز یکشنبه اول جولای خواهد بود. راجع به موارد زیر بحث و تمرین و به صورت غیابی کار می کنیم: (۱) دختر ۴ ساله ای که می ترسد و دچار تشنج و ناخوشی های دیگری می شود، (۲) بانوی جوانی که می خواهد از جراحی به خاطر یک ناخوشی جدی ستون فقرات اجتناب ورزد.

بدیهی است که کار غیابی ما به شکلی انجام می پذیرد که همگان (و از جمله شرکت کنندگان) بتوانند از آن بر روی مسائل خودشان نیز بهره گیرند. پس بهتر است فهرستان را به همراه داشته باشید. برای این که به صورت مستقیم به ما بپیوندید کافی است که وارد حساب کاربری خود در دوره اپتیمال ای اف تی شوید و در منو روی وبینارهای آینده کلیک کنید.

ایده ای از یکی از اعضا (جاوی سانتوس)

"در گروه اسپانیایی ام بدین شکل با درمانگر نادیده کار کردیم و باید بگویم که به اهداف جالبی دست یافتیم."

گری عزیز، خوشحالم که یک بار دیگر برایت می‌نویسم.

می‌خواهم به اطلاعات برسانم که اخیراً که در حال کار با درمانگر نادیده بودم نام تو به ذهنم خطور نمود. دلیل آن را تا به امروز که پیامی از جانب درمانگر نادیده دریافت کردم نمی‌دانستم. او از من خواست که اطلاعاتی را که شاید آنها را بدانی به تو بگویم.

روح بزرگ یا همان درمانگر نادیده (همان طور که نوشته بودی "نام اهمیتی ندارد") شاهد بوده است که ماموریت من آموزش دادن "راه شناخت خود" می‌باشد.

در گروه اسپانیایی ام بدین شکل با درمانگر نادیده کار کردیم و باید بگویم که به اهداف جالبی دست یافتیم.

در گروه بین‌المللی آن رایان عضو هستم و روزی به کسی کمک کردم تا مشکلاتی را که در شغلش دارد تغییر دهد. با درمانگر نادیده کار کردیم و از این تشبیه سود جستیم: ما در یک سوی پلی قرار داریم و در واقع این همان جای ما در زندگی کنونی مان است (نقطه الف). آن زندگی هم که می‌خواهیم بدان دست یابیم در سوی دیگر پل می‌باشد (نقطه ب).

سعی کرده‌ایم از پل بگذریم و به "نقطه ب" برسیم. ولی گاهی اوقات ترسهایی پدید آمده‌اند که مانع ما شده‌اند. می‌توانیم برای برطرف ساختن آنها با درمانگر نادیده کار کنیم.

هفته بعد که با هم کار می‌کردیم ایده‌های جدیدی به ذهنش رسیده بودند و وی در حال پیشرفت بود.

از علم اعصاب نیز خوشم می‌آید. وقتی با درمانگر نادیده کار می‌کنم دوست دارم از همان بخشی از مغز که با آن حس می‌کنم استفاده نمایم: مثلاً بارها پیش آمده است که مراجعه کننده‌ام بسیار عصبی بوده است. در این موارد

از درمانگر نادیده می‌خواهم که بر روی نیمکره چپ مغزش کار کند تا او را آرام سازد. گاهی اوقات هم حس می‌کنم که این بخش از سرم سنگین شده است. مردم پس از کار با درمانگر نادیده کاملاً آرام می‌شوند. امیدوارم این ایده‌ها برای مردم مفید واقع شوند. اگر مایلی می‌توانی آنها را در اختیارشان قرار دهی.

بسیار متشکرم و خیلی به تو علاقه دارم

جاوی

به شما علاقه دارم، گری

© گری کریگ

تمامی حقوق محفوظ است